

مفهوم‌سازی سرزندگی در مقیاس فضای شهری:

تدوین یک مدل مفهومی پویا

عماد شمس‌اله¹، حمید ماجدی^{2*} و زهراسادات سعیده زرآبادی³

تاریخ دریافت: 1403/02/22

تاریخ پذیرش: 1403/06/06

(صفحات 102-85)

چکیده

مقدمه: فقدان «سرزندگی» نوعی فقر است که توسعه پایدار را تهدید می‌کند. بر این اساس، امروزه خلق و ارتقای «سرزندگی»، به عنوان یکی از مهمترین اهداف برنامه‌های توسعه‌ی شهری دنبال می‌شود. این در حالی است که «سرزندگی شهری» در عرصه نظری به‌گونه‌ای مناسب مفهوم‌سازی نشده و یک مدل نظری ساختارمند و یکپارچه در ارتباط با آن به‌ویژه در مقیاس فضاهای شهری (به‌عنوان مهمترین کانون‌های تبلور سرزندگی شهری) تدوین نشده است. در عرصه داخلی نیز، با وجود انجام پژوهش‌های متعدد، به دلایلی از جمله کمی‌نگری بیشتر این پژوهش‌ها و عدم درک یا پذیرش سرزندگی به مثابه «یک کل» شکاف نظری مورد اشاره پابرجاست. بر این اساس، ضرورت تبیین سرزندگی بر مبنای یک لنز نظری «کل‌نگر» و مفهوم‌سازی مناسب آن بیش از پیش احساس می‌شود.

روش تحقیق: پژوهش پیش رو با هدف مفهوم‌سازی سرزندگی در مقیاس فضای شهری، طی مطالعه‌ای نظری-بنیادی و بر مبنای روش تحلیل محتوای متون، به‌گونه‌ای ساختارمند به بررسی ادبیات نظری جهانی می‌پردازد و بر این مبنای «ابعاد»، «معیارها» و «شاخص‌ها»ی سرزندگی شهری را در قالب یک مدل مفهومی تبیین می‌کند.

نتایج و بحث: سرزندگی در مقیاس فضای شهری را در قالب یک «مدل پویای سه‌سطحی»، می‌توان مفهوم‌سازی کرد. سطح اول دربردارنده 3 بُعد «کالبدی-محیطی»، «عملکردی-مدیریتی» و «ادراکی-معنایی»، سطح دوم شامل 15 معیار و سطح سوم مشتمل بر 55 شاخص (با قابلیت کمی‌سازی به منظور سنجش سرزندگی) به همراه «شاخص‌های زمینه‌ای» است. همچنین پویایی مدل پیشنهادی بر مبنای توجه به عنصر «زمان» تعریف می‌شود.

نتیجه‌گیری: بر مبنای یافته‌ها، هفت عامل کلیدی در تبیین سرزندگی شهری نقش دارند: (1 حرکت و پویایی، (2 رویدادها، (3 زمینه‌ای برای بروز، (4 حضورپذیری، (5 تنوع شهری، (6 انرژی شهر و (7 زندگی فعال خیابانی. آفرینش سرزندگی شهری نیز در گرو توجه به دیالکتیک و رابطه میان سه عنصر «انسان»، «فضا» و «فعالیت» است. سرزندگی شهری، بر اساس مدل مفهومی پیشنهادی، دربردارنده «مجموعه‌ای از عوامل متعدد و به هم مرتبط» است. به بیان دیگر، سرزندگی چتر جامعیتش را بر تمامی کیفیت‌های مرتبط با یک فضای شهری اعم از کالبدی، عملکردی و معنایی می‌گستراند. بر این اساس ضروری است از آن تحت عنوان «فرامفهوم» یا «مفهوم فراگیر» یاد شود. این «دیدگاه کل‌نگر» نسبت به سرزندگی شهری می‌تواند ابهامات و آشفتگی‌های نظری پیرامون آن را تحدید کرده و به انسجام‌بخشی مبانی نظری آن کمک نماید.

واژگان کلیدی: سرزندگی، سرزندگی شهری، مفهوم‌سازی، مدل مفهومی پویا، پژوهش کیفی.

این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول با عنوان «تبیین انگاره فضای شهری سرزنده-پایدار» به راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره نگارنده سوم در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات است.

¹دانشجوی دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

²استاد، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده‌ی مسئول)، h.majedi@srbiau.ac.ir

³دانشیار، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

1- مقدمه

«سرزندگی» در کنار پایداری از جمله مفاهیمی است که برنامه‌ریزی و توسعه‌ی شهری را در عصر حاضر هدایت می‌کند. امروزه جوامع شهری با گسترش تکنولوژی‌های ارتباطی، به‌نوعی درون‌گراتر و خصوصی‌تر شده‌اند (Lopes & Camanho, 2013). در پی آن، نقش فضاهای شهری به عنوان مهمترین کانون‌های هستی‌پذیری زندگی اجتماعی و سرزندگی شهری در حال کمرنگ شدن است. به‌گونه‌ای که بسیاری از عملکردها و ارزش‌های اجتماعی این فضاها با شبکه‌های اجتماعی مجازی جایگزین شده است. بر این اساس، ضرورت سرزنده‌سازی فضاهای مذکور بیش از پیش موضوعیت می‌یابد. اگر چه تحقق سرزندگی شهری، منوط به تبیین، تدقیق و مفهوم‌سازی¹ مناسب آن در عرصه نظری است. با اینکه از ورود سرزندگی به ادبیات شهرسازی دنیا توسط جین جیکوبز، بیش از شش دهه می‌گذرد و طی این سال‌ها جایگاه این مفهوم در ارتقای «کیفیت محیط» و «کیفیت زندگی» آشکار شده است اما تا به امروز یک مدل نظری ساختارمند و یکپارچه در ارتباط با آن تدوین نشده است. مدلی که بتواند هم به تبیین و درک بهتر آن به‌عنوان مفهومی «چندبُعدی» کمک نماید و هم مورد توافق اکثریت باشد. در عرصه داخلی نیز، با وجود انجام پژوهش‌های متعدد، خلأ مورد اشاره همچنان پابرجا است. بخشی از جامعه‌ی آکادمیک داخلی با استناد به تعدد پژوهش‌های مذکور، «سرزندگی شهری» را موضوعی اشباع شده می‌دانند و برخی دیگر، آن را موضوعی کهنه و از مُد افتاده می‌پندارند که ضرورت پرداختن به آن کمرنگ شده است.² برخلاف دیدگاه‌های رایج این‌چنینی، اشاره به این نکته ضروری است که فارغ از تعداد، کیفیت انجام پژوهش‌های پیشین و سهم هر یک در توسعه حوزه دانشی مفهوم مورد نظر، بایستی مورد توجه قرار گیرد. این در حالی است که مطابق با بررسی‌های صورت‌گرفته، مطالعات کمی‌نگر، سهم قابل‌توجهی از پژوهش‌های داخلی سرزندگی شهری را به خود اختصاص داده است. از دیگر سو، شیوه سنجش سرزندگی در مطالعات مذکور، عموماً با تکیه بر نظرسنجی‌های پرسش‌نامه‌ای مرسوم به‌عنوان منبع اصلی

گردآوری داده‌ها و تحلیل بر مبنای فرمول‌های آماری، صورت پذیرفته است. حال آنکه پژوهش‌های متأخر سرزندگی شهری به منظور سنجش، از داده‌های شهری چندمنبعی³ استفاده می‌کنند⁴ (ر.ک. Li, Cui, Liu, Wu, Run & Han, 2021; Liu, Zhang, Long, Long & Xu, 2020; Yue, Chen, Zhang & Liu, 2019). با این همه پیش از سنجش سرزندگی، لزوم تبیین آن مطابق ماهیت، اهمیتش و همچنین ایجاد یک چارچوب نظری منسجم در رابطه با آن، بر مبنای منابع مرتبط، معتبر و دست اول احساس می‌شود.

از دیگر سو مطالعات خارجی پیشین، در تبیین سرزندگی شهری، معیارها و شاخص‌های آن، فاقد جامع‌نگری بوده و عموماً به تنوع شهری (با تأکید بیشتر بر تنوع فعالیتی و عملکردی) اشاره داشته و در رابطه با سایر عوامل، هریک به صورت محدود، مواردی را ذکر کرده‌اند. به عنوان مثال: شاخص لبخند (Whyte, 1980)، زیرساخت نرم (Montgomery, 1995)، درجاتی از غیر قابل پیش‌بینی بودن فضا (Holland, Clark, Katz & Peace, 2007)، شخصیت فرهنگی شهر (Chion, 2009)، لبه‌های نرم (Gehl, 2010)، نگهداری مناسب فضاهای شهری (Cillo Malufe Spignardi, 2020)، جذب افراد در ساعات مختلف روز (Kang, Fan & Jiao, 2021).

با جست‌وجوی کلیدواژه‌ی «vitality» در «گوگل اسکالر»⁵ طیف گسترده‌ای از اصطلاحات ترکیبی برآمده از آن، پدیدار می‌شود: «سرزندگی تحصیلی»⁶، «سرزندگی ذهنی»⁷، «سرزندگی روانی»⁸، «سرزندگی شهری»⁹، «سرزندگی روستایی»¹⁰، «سرزندگی اجتماعی»¹¹، «سرزندگی جامعه»¹² و... که بیانگر گستردگی دامنه‌ی کاربرد و بینارشته‌ای¹³ بودن این مفهوم است. از دیگر سو با در نظر گرفتن ماهیت «کیفی»، «انتزاعی» و «ذهنی» سرزندگی، ضرورت پرداختن به آن در قالب پژوهش‌های کیفی‌نگر همراه با رویکردهای تحلیلی-مقایسه‌ای، در عرصه مطالعات شهری بیش از پیش آشکار می‌شود.

این پژوهش با هدف تحدید شکاف دانشی مورد اشاره، تلاش دارد طی مطالعه‌ای نظری-بنیادی و کیفی‌نگر به بررسی سرزندگی شهری بپردازد و گامی مؤثر در جهت مفهوم‌سازی آن به مثابه «یک کل» بردارد. بر این اساس،

مستقل دیگری باشد هیچ‌کدام به تدوین یک مدل مفهومی ساختارمند نائل نشده و از سویی هیچ یک از این مدل‌ها در سطحی گسترده فراگیر نشده‌اند.

در مورد پژوهش‌های خارجی، تبیین مفهوم سرزندگی شهری، تا حدی قابل قبول‌تر انجام شده است. در بیشتر این پژوهش‌ها، انگاره¹⁶ جیکوبز و چهار شرط معروف او، به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم مورد استناد و تأیید قرار گرفته است (ر.ک. Paköz, Yaratgan & Şahin; 2022; Blessing, 2017; Sung & Lee, 2015; Montgomery, 1998). با این وجود اشاره به این نکته ضروری است که انگاره جیکوبز، موجودیت سرزندگی را وابسته به و برآمده از تنوع (عموماً تنوع فعالیتی و اجتماعی) معرفی کرده، نگرشی «تک‌بعدی» به آن داشته و «جامعیت» مفهوم سرزندگی را کمتر مورد توجه قرار داده است.

اگر چه توجه به موضوع سرزندگی شهری طی سال‌های اخیر، در پژوهش‌های کشورهای در حال توسعه به ویژه کشور چین، روندی رو به رشد داشته است اما بیشتر این پژوهش‌ها در مقیاس مطالعاتی «شهر» انجام شده و مانند اغلب پژوهش‌های ایرانی، کمی‌نگر و به‌دنبال سنجش سرزندگی و نه «مفهوم‌سازی» آن بوده‌اند با این تفاوت که بر مبنای چارچوب‌های مدون‌تری به این امر پرداخته‌اند (جدول 1).

در سطح اول پژوهش، بر مبنای ادبیات نظری جهانی، دو مفهوم «سرزندگی» و «سرزندگی شهری» تبیین می‌گردند، سپس در سطح دوم به کمک روش تحلیل محتوای متون، ابعاد، معیارها و شاخص‌های سرزندگی شهری، تبیین و از آن‌ها در تدوین «مدل پویای¹⁴ سرزندگی در مقیاس فضاهای شهری» استفاده می‌شود.

1-1- پیشینه پژوهش

با مقایسه مقاطع زمانی ورود مفهوم سرزندگی به عرصه نظری شهرسازی جهان و سپس ایران، تأخیر فازی زمانی در حدود نیم سده خودنمایی می‌کند. مطالعات داخلی و خارجی سرزندگی شهری را در سه دسته کلی می‌توان طبقه‌بندی نمود: الف) مطالعاتی که با هدف سنجش¹⁵ سرزندگی یک محیط (شهر، مرکز شهر، محله، فضای شهری و...) شکل گرفته‌اند، ب) مطالعاتی که رابطه میان سرزندگی و یک یا چند عامل دیگر را بررسی کرده‌اند، ج) مطالعاتی که به‌دنبال تبیین چرایی مفهوم سرزندگی شهری بوده‌اند. پژوهش‌های دو دسته اول، عموماً کمی و پژوهش‌های دسته سوم، کیفی است. بر این اساس، عمده پژوهش‌های داخلی در دسته اول و دوم قرار می‌گیرد. اگرچه بخشی از پژوهش‌های داخلی، داعیه‌ی تدوین مدل مفهومی سرزندگی شهری را نیز داشته‌اند اما به دلایلی که آسیب‌شناسی و بررسی آن می‌تواند موضوع پژوهش

جدول 1- مقایسه تطبیقی تعدادی از پژوهش‌های پیشین سرزندگی شهری

Tab. 1- Comparison of a number of previous researches on urban vitality

عنوان پژوهش	سال	نگارنده(ها)	مقیاس	ماهیت پژوهش	نتایج پژوهش
نشاط و سرزندگی در شهر به کمک طراحی شهری	1385	کوروش گلکار	شهر	کیفی	تبیین مفهوم
عوامل مؤثر بر سرزندگی فضاهای شهری، خلق یک فضای شهری سرزنده با تکیه بر مفهوم مرکز خرید پیاده	1389	خستو و رضوانی	فضای شهری	کمی	سنجش آرائه مدل
بررسی نقش مشارکت مردمی در ارتقاء تنوع و امنیت در راستای ایجاد سرزندگی در محلات شهری (نمونه موردی: محله گلپا همدان)	1393	محمودنژاد و دیگران	محله	کمی	سنجش
بررسی میزان تأثیرگذاری عناصر معماری بومی بر سرزندگی شهروندان در محلات بافت قدیم رشت؛ نمونه موردی: محله ساغری‌سازان	1394	باحقیقت و دیگران	محله	کمی	سنجش
طیف‌سنجی سرزندگی در بافت‌ها و محلات شهری با تلفیق رویکردهای توسعه پایدار، رشد هوشمند و نوشهرگرایی و کاربرد مدل الکترون (نمونه موردی: محلات شهر مرودشت)	1395	صداقتی و فارسی	محله	کمی	سنجش

عنوان پژوهش	سال	نگارنده(ها)	مقیاس	ماهیت پژوهش	نتایج پژوهش
رویکرد منظر در ایجاد سرزندگی خیابان ولیعصر با تأکید بر ایجاد حس مکان، نمونه موردی: خیابان ولیعصر (حد فاصل میدان ونک- چهارراه پارکوی)	1396	مهربانی و دیگران	فضای شهری	کمی	سنجش ارائه‌ی مدل
ارزیابی تأثیر عوامل محیطی- کالبدی بر سرزندگی و کیفیت خیابان‌های شهری (مطالعه موردی: خیابان‌های نادر و انقلاب شهر ساری)	1397	اخوان و دیگران	فضای شهری	کمی	سنجش
ارزیابی مؤلفه‌های مؤثر بر تقویت سرزندگی در مسیرهای پیاده شهری (مطالعه موردی: پیاده راه علم‌الهدی شهر رشت)	1397	قربان‌پور و دیگران	فضای شهری	کمی	سنجش ارائه‌ی مدل
بررسی و بازخوانش تداوم زندگی شهری در شب مبتنی بر شادابی و سرزندگی فضاهای شهری 24 ساعته؛ موردپژوهی: محله دربند	1397	سادات سیادت‌ی و کریمی‌فرد	محله	کمی	سنجش
غربالگری عوامل سرزندگی محیطی در فضاهای باز مجموعه مسکونی شهر تهران با استفاده از تکنیک فازی جستاری پیرامون مفهوم و جایگاه سرزندگی	1398	شهبازی و دیگران	مجموعه مسکونی	کمی	سنجش ارائه‌ی مدل
تحلیل دسترسی و نظام پراکنش فضایی کاربری‌ها در راستای عدالت توزیعی جهت سرزندگی فضاهای شهری (مورد مطالعه: ناحیه 3 منطقه 16 شهر تهران)	1398	جهانشاه پاکزاد و دیگران	شهر	کیفی	تبیین مفهوم
سنجش سرزندگی و حیات شبانه میدان نقش جهان اصفهان با تأکید بر امنیت پایدار شهری	1398	غضنفرپور و دیگران	فضای شهری	کمی	سنجش
تبیین ساختاری عوامل مؤثر بر سرزندگی در فضاهای عمومی شهری اصفهان از دیدگاه شهروندان و گردشگران	1399	خراسانی‌زاده و دیگران	فضای عمومی	کمی	سنجش
بررسی نقش پیاده‌راه‌های شهری در ارتقای شاخص‌های سرزندگی شهری و تعاملات اجتماعی (مطالعه موردی: پیاده‌راه مرکز رشت)	1400	مولوی و دیگران	فضای شهری	کمی	سنجش
The Death and Life of Great American Cities	1961	جین جیکوبز	فضای شهری	کیفی	تبیین مفهوم
The social life of small urban spaces	1980	ویلیام وایت	فضای شهری	کیفی	تبیین مفهوم
Good city form	1981	کوین لینچ	شهر	کیفی	تبیین مفهوم
Making a city: Urbanity, vitality and urban design	1998	مونت‌گمری	مکان	کیفی	تبیین مفهوم
The vitality and viability of town centres	2000	ریونسکرافت	مرکز شهر	کمی	سنجش
Variety and vitality	2005	مارتین بردشاو	شهر	کیفی	تبیین مفهوم
The creative city: A toolkit for urban innovators	2008	چارلز لندری	شهر	کیفی	تبیین مفهوم
Producing urban vitality: The case of dance in San Francisco	2009	چی‌بن	شهر	کیفی	تبیین مفهوم
Cities for people	2010	یان گل	شهر	کیفی	تبیین مفهوم
Public green space use and consequences on urban vitality: An assessment of European cities	2013	لوپز و کامانو	فضاهای سبز	کمی	سنجش
Fuzzy comprehensive evaluation on the urban vitality	2013	شنگلان	شهر	کمی	سنجش
Residential built environment and walking activity: Empirical evidence of Jane Jacobs' urban vitality	2015	سانگ و لی	شهر	کمی	سنجش
Urban vitality area identification and pattern analysis from the perspective of time and space fusion	2019	لیو و دیگران	شهر	کمی	سنجش

عنوان پژوهش	سال	نگارنده(ها)	مقیاس	ماهیت پژوهش	نتایج پژوهش
Spatial explicit assessment of urban vitality using multi-source data: A case of Shanghai, China	2019	ونز یو و دیگران	شهر	کمی	سنجش
Urban Vitality Evaluation and Spatial Correlation Research: A Case Study from Shanghai	2021	شی و دیگران	شهر	کمی	سنجش

اسم معنی¹⁹: اسمی که فضایی اشغال نمی‌کند، به خودی خود وجود ندارد و قابل لمس نیست. این اسم، بیانگر کیفیت، حالت و یا عمل است. مانند: هویت، عشق و زیبایی.

بر این اساس، «سرزندگی»، یک «اسم معنی» به شمار می‌آید. به بیان دیگر، مفهومی «ذهنی» است یعنی به صورت مستقل و خارج از ذهن وجود ندارد، «انتزاعی-تجربیدی» است؛ به این معنا که مبتنی بر ادراکات شخصی و غیر قابل اثبات با استدلال‌های منطقی است؛ «کیفی» یعنی بیانگر حالت و چگونگی است و غیر قابل اندازه‌گیری (در مقابل کمی) است.

در زبان و ادبیات انگلیسی، معادل‌های «سرزندگی»، دایره‌ی واژگانی وسیعی را تشکیل می‌دهند²⁰. به‌گونه‌ای که پژوهشگر پارسی‌زبان را در بدو امر و هنگام جست‌وجو و انتخاب متون مرتبط، با چالش‌های متعددی روبرو می‌کند. بر اساس بررسی‌های صورت‌گرفته بر مبنای متون تخصصی خارجی و تدقیق در فرهنگ‌نامه‌های تخصصی انگلیسی از جمله فرهنگ شهرسازی کوان (2005)، سه واژه‌ی «vitality»، «vibrancy» و «liveliness» را می‌توان دقیق‌ترین معادل‌ها با نزدیکی بسیار به مفهوم مورد انتظار از واژه «سرزندگی» در زبان پارسی دانست. از دیگر سو دو واژه «viability» و «liv(e)ability» در معنای «زیست‌پذیری»، «قابلیت زیست» یا «قابلیت زندگی» کاربرد دارند. بر این اساس، «سرزندگی» و «زیست‌پذیری» دو مفهوم هم‌نشین و نه جانشین هستند که ضرورت دارد از برگردان و کاربرد واژه‌های انگلیسی معادل «زیست‌پذیری» در معنای «سرزندگی» به‌صورت جدی پرهیز شود.

1-2-2- مفهوم سرزندگی

اگرچه ادبیات موجود، پیامدهای مثبت متعددی از «سرزندگی»، از جمله سلامت جسمانی و روانی، بهبود

با وجود انتشار پژوهش‌های متعدد جهانی (چه در قالب کتاب، فصل کتاب یا مقاله) و تنوع مقیاس‌های مطالعاتی اما عدم انسجام در ادبیات نظری سرزندگی شهری و ضرورت مفهوم‌سازی آن (به‌ویژه در مقیاس فضای شهری) را نمی‌توان نادیده گرفت.

از آنجا که بنیان‌های نظری سرزندگی شهری، به مطالعات خارجی مربوط می‌شود و همچنین با هدف به حداقل رساندن میزان خطا، بررسی‌ها و داده‌کاوی در پژوهش پیش رو، به‌صورت مستقیم بر مبنای ادبیات نظری جهانی مرتبط و دست اول انجام شده است. بر این اساس، از مهم‌ترین وجوه تمایز پژوهش پیش‌رو با پژوهش‌های پیشین به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

- بررسی سرزندگی شهری بر مبنای یک لنز نظری «کل‌نگر» و مفهوم‌سازی آن به مثابه «یک کل»،
- تأکید بر رویکردهای اکتشافی به جای رویکردهای اثبات‌گرایانه رایج و غالب،
- استفاده از روش تطبیقی (مقایسه‌ای) در کنار روش تحلیل محتوا،
- تأکید بر مطالعه سرزندگی در مقیاس فضای شهری به عنوان مهم‌ترین کانون هستی‌پذیری سرزندگی شهری¹⁷.

1-2-1- چارچوب نظری

1-2-1-1- واژه‌شناسی

«سرزندگی» از دیدگاه زبان‌شناسی در دسته اسامی قرار می‌گیرد. نام واژه ای است که برای نامیدن شخص، شیء، حیوان، مکان و... به کار می‌رود که از یک منظر می‌توان آن را به دو گونه‌ی زیر طبقه‌بندی کرد:

اسم ذات¹⁸: اسمی که قابل مشاهده بوده، به‌خودی‌خود وجود دارد و می‌توان آن را لمس کرد. مانند: درخت، کتاب.

عملکرد و ارتقای کیفیت زندگی را شناسایی کرده و اهمیت بسیار زیاد آن از نظر علمی به اثبات رسیده است؛ اما تا کنون به طور دقیق و به منظور حصول اطمینان از کاربردها و درک جامع آن، مفهوم‌سازی نشده است (Lavrusheva, 2020). زمانی که این مفهوم در زمینه «شهری»، موضوعیت می‌یابد، تبیین آن دشوارتر می‌شود. چرا که شهرها، مجموعه‌ای از مسائل پیچیده‌ی سازمان‌یافته‌اند که در آن‌ها چند ده متغیر، به طور همزمان و به شیوه‌ای نامحسوس با هم در ارتباط است (Batty, 2013). بر این اساس به منظور درک بهتر و فهم بیشتر سرزندگی، ضروری است از مجموعه متنوعی از لنزهای نظری علوم گوناگون استفاده شود. در ادامه، نخست سرزندگی به مثابه پدیده‌ای انسانی-روان‌شناختی از دریچه روان‌شناسی مثبت‌گرا²¹ مورد بررسی قرار می‌گیرد (رویگرد عام)، سپس به عنوان پدیده‌ای شهری تبیین می‌شود (رویگرد خاص). این شیوه‌ی پرداختن به موضوع، ضمن غنا بخشیدن به ادبیات نظری، می‌تواند بر اهمیت و جایگاه مفهوم سرزندگی به عنوان اصطلاحی بین‌رشته‌ای تأکید نماید.

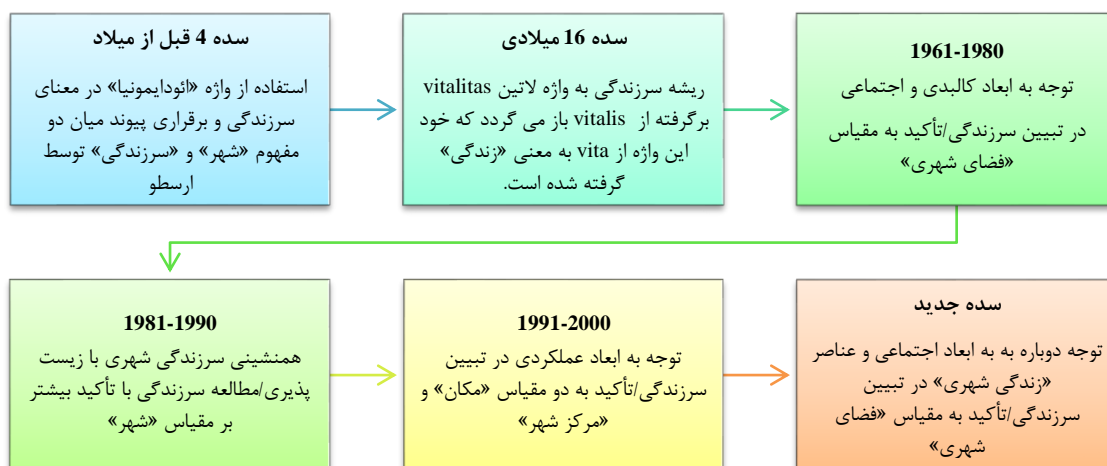
سرزندگی، تجارب سرشار از انرژی است. انرژی‌ای که از منابع درونی سرچشمه می‌گیرد (Bostic, 2002). مارتین سلیگمن، بنیانگذار روان‌شناسی مثبت‌گرا، بر اساس مفهوم «اُتودایمونیا»²² ارسطو، معتقد است شادمانی²³ [سرزندگی] از عوامل تأثیرگذار در حصول بهداشت روانی و خوشبختی است و بر فضای شناختی و رشد آن اثر می‌گذارد (Diener & Seligman, 2002). به باور بیسواس-دینر و دین، سرزندگی یعنی زندگی همراه با اشتیاق و انرژی، کاری را نصفه‌ونیمه انجام ندادن، زندگی را به مثابه یک ماجرا تجربه کردن، داشتن احساس زنده بودن و فعال بودن. فرد سرزنده کسی است که زنده بودن و روحیه‌ی او نه تنها در فعالیت‌های شخصی‌اش بروز می‌یابد بلکه به افراد دیگری که با وی در ارتباط هستند نیز منتقل می‌شود. این واژه ریشه در مفهوم «زندگی» دارد. سرزندگی به لحاظ جسمی به معنی احساس سلامتی، توانایی و پرانرژی بودن و از نظر روان‌شناختی به معنای آن است که فرد احساس کند اعمال و رفتارش معنادار و هدفمند است (Biswas-Diener & Dean,

2007). از نظر رایان و فردریک، سرزندگی، نیروی محرکه‌ای برای زندگی است که در دسترس همگان است. تجربه‌ای فراتر از پرانرژی بودن جسمانی است و اشاره به روحیه و احساس اشتیاق افراد برای زندگی دارد (Ryan & Frederick, 1997). در نگاه استرن، سرزندگی، تجلی زندگی و زنده بودن است. سرزندگی یک آفرینش ذهنی و محصول ادغام ذهنی بسیاری از احوال درونی و رویدادهای بیرونی است. تجربه‌ای ذهنی و در عین حال پدیده‌ای واقعی است که طیفی تقریباً نامتناهی از فرم‌های آن وجود دارد (Stern, 2010).

3-2-1- بررسی سیر تحول مفهوم سرزندگی

سرزندگی پیشینه‌ای به قدمت تمدن‌های بشری دارد. واکاوی آرای ارسطو، از وجود رابطه و توافقی دیرینه میان دو مفهوم «شهر» و «سرزندگی» پرده برمی‌دارد. در یونان باستان والاترین هدف حیات را رسیدن به «اُتودایمونیا» می‌دانسته‌اند که در یک شهر می‌توانسته نمود یابد. ریشه واژه vitality به شده 16 میلادی برمی‌گردد. اگرچه ورود آن به بحث‌های نظری شهرسازی به دهه 1960 میلادی، مشاهدات تجربی جین جیکوبز و انتشار کتاب معروفش «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی» باز می‌گردد. این مفهوم پس از آن به صورت جدی مورد توجه جوامع آکادمیک و حرفه‌مندان شهرسازی در سراسر دنیا قرار گرفت که تا به امروز در حال تکامل است (شکل 1).

در طی این سال‌ها، سرزندگی شهری در چهار مقیاس، بیش از سایر مقیاس‌ها مورد توجه بوده است: «شهر»، «مرکز شهر»، «فضای شهری» و «مکان شهری». سرزندگی در آغاز و تحت تأثیر انگاره جیکوبز در پیوند نزدیک با زندگی شهری تعریف می‌شده است. این نگرش، نزدیک به دو دهه و تا زمان شکل‌گیری رویکردهای زیست‌محیطی نسبت به شهر، جریان غالب بوده است. در دهه 1980 و در مطالعات اشخاصی چون ویلیام وایت، «زیست‌پذیری» در کنار سرزندگی به‌ویژه در مقیاس «شهر» مورد توجه قرار گرفت. در دهه 1990 اولین بار مقیاس «مکان» توسط مونت‌گمری در مطالعات سرزندگی شهری مطرح شد. رویکرد دهه گذشته، در این دهه نیز، با تأکید بیشتر بر مقیاس «مکان» و «مرکز شهر» و «ابعاد عملکردی» تداوم یافت.



شکل 1- سیر تحول مفهوم سرزندگی با تأکید بر زمینه شهری

Fig. 1- The evolution of the concept of vitality with an emphasis on the urban context

1) زندگی شهری (خیابانی)، 2) حضورپذیری، 3) رویدادها، 4) تنوع فعالیتها، 5) نیاز به زمینه‌ای برای بروز، 6) انرژی شهر و 7) حرکت و پویایی. تعاریف مذکور را در سه طیف می‌توان طبقه‌بندی کرد. طیف اول، سرزندگی شهری را بر اساس انگاره مورد نظر جیکوبز تبیین کرده‌اند. مانند وایت (1980)، مونت‌گمری (1998)، بردشاو (2005)، چی‌ین (2009)، یان گل (2010)، شی و دیگران (2021). جیکوبز، سرزندگی شهری را مرتبط با زندگی شهری و برآمده از تنوع می‌داند. به نظر می‌رسد این طیف با جیکوبز مبنی بر وجود تنوع در سطوح مختلف (عموماً تنوع فعالیت‌ها و تنوع اجتماعی) و جریان‌های مداوم عابرین پیاده در فضای شهری توافق دارند. طیف دوم، سرزندگی شهری را به عنوان عاملی تعیین‌کننده در محیط شهری در نظر می‌گیرد که دامنه حداکثری فعالیت‌های انسانی را تسهیل می‌کند. مانند تعاریف ارائه شده توسط متا (2007)، آی‌تی‌اف (2012)، یو و دیگران (2019). طیف سوم، سرزندگی را به‌مثابه انرژی جاری در شهر تبیین کرده است مانند لندری (2008)، لیو و دیگران (2019). در این میان، تنها لینچ (1981) در نگرشی متفاوت با سایر نگره‌پردازان، سرزندگی را از دیدگاهی عملکردی و در مقیاس کلان (شهر) مطالعه کرده و بر جنبه‌های اکولوژیکی-بیولوژیکی تأکید داشته است.

از آغاز سده جدید، نگرش اجتماعی به سرزندگی، یک بار دیگر و این بار با تأکید بر مؤلفه‌هایی چون «حضورپذیری»، «تنوع و پیچیدگی فعالیت‌های اجتماعی»، «مشارکت در زندگی شهری»، «شبکه‌های اجتماعی» و تعریف فضای شهری به‌عنوان یک «فضای اجتماعی» مورد توجه قرار گرفته است.

4-2-1- تعریف سرزندگی شهری

در این بخش تلاش می‌شود با مقایسه خوانش‌های نگره‌پردازان علوم شهری از «سرزندگی شهری» با یکدیگر، این مفهوم به‌گونه‌ای خوانا تبیین شود. در حالت کلی، مقایسه‌های این‌چنینی ضمن برقراری ارتباط میان دیدگاه‌ها و تعاریف موجود می‌تواند به تبیین بهتر یک مفهوم و شکل‌گیری دیدگاه‌های نو کمک نماید. لازم به تصریح است بر اساس ادبیات نظری موجود، تعریف صریح و شفاف از سرزندگی شهری که طیف گسترده‌ای از نگره‌پردازان از آن پشتیبانی کرده باشند شناسایی نشد. بر این اساس بیشتر تعاریف مندرج در جدول 2، بر مبنای تفسیرها و تحلیل‌های محتوایی این پژوهش شکل گرفته است.

با وجود نسبی بودن مفهوم سرزندگی شهری و شناسایی طیف متنوعی از تعاریف، می‌توان 7 مفهوم کلیدی مشترک^{۲۴} را در این تعاریف و خوانش‌ها شناسایی نمود:

جدول 2- مقایسه تطبیقی تعاریف سرزندگی شهری همراه با استخراج مفاهیم کلیدی

Tab. 2- Comparison of urban vitality definitions with key concepts

نگره پرداز (سال)	تعریف	مفاهیم کلیدی
جین جیکوبز (1961)	سرزندگی شهری، سیمای زندگی شهری است.	زندگی شهری / نیاز به زمینه‌ای برای بروز
ویلیام وایت (1980)	سرزندگی تجلی حضور مردم در فضا است.	حضورپذیری / نیاز به زمینه‌ای برای بروز
کوبن لینچ (1981)	شکل شهر تا چه اندازه حامی عملکردهای حیاتی، نیازهای زیستی و قابلیت‌های انسانی است.	نیازهای زیستی / عملکردهای حیاتی
مونت‌گمری (1998)	سرزندگی به جریان‌های عابر پیاده در زمان‌های مختلف، تعداد جشن‌ها و رویدادهای فرهنگی در طول سال، وجود زندگی فعال خیابانی و به‌طور کلی میزان احساس زندگی و پویایی در یک مکان با تأکید بر فعالیت‌های انسانی اشاره دارد.	حضورپذیری / پیاده‌مداری / زندگی خیابانی / حرکت و پویایی / رویداد
بردشاو (2005)	سرزندگی در مورد یک مرکز شهر به میزان شلوغی و جنب‌وجوش آن اشاره دارد.	حرکت و پویایی / حضورپذیری / رویداد
ویکاس متا (2007)	سرزندگی شهری، با حضور مردم در فضاهای شهری و مشارکت ایشان در انواع فعالیت‌ها به‌ویژه فعالیت‌های اجتماعی، معنا می‌یابد	حضورپذیری / تنوع فعالیت‌ها
چارلز لندری (2008)	سرزندگی، قدرت و انرژی بالقوه‌ی یک شهر است که نیاز به هدایت دارد.	انرژی شهر
چی‌ین (2009)	سرزندگی شهری، روح بخشیدن به زندگی خیابانی و معنابخشی به مکان‌ها است.	زندگی خیابانی / روح‌بخشی و معنابخشی
یان گل (2010)	سرزندگی شهری مفهومی نسبی است و در پیوند با جریان زندگی شهری تعریف می‌شود.	زندگی شهری
آی‌تی‌اف ^{۲۵} (2012)	سرزندگی شهری در ارتباط نزدیک با مردمی است که به‌صورت پیاده برای اهداف گوناگون در فضای شهری حضور می‌یابند.	حضورپذیری / پیاده‌مداری / تنوع فعالیت‌ها
یو و دیگران (2019)	سرزندگی شهری، ظرفیت محیط ساخته‌شده برای تقویت فعالیت‌های اجتماعی پویا است.	تنوع فعالیت‌ها
لیو و دیگران (2019)	سرزندگی شهری، شدت تمرکز مردم و انرژی شهر است.	انرژی شهر / حضورپذیری
شی و دیگران (2021)	سرزندگی شهری به زندگی خیابانی غنی، نظم و شکل شهری معقول اشاره دارد.	زندگی خیابانی

تحلیل‌های امپرسیونیستی، شهودی، تفسیری تا تحلیل‌های متنی نظام‌مند و دقیق را در بر می‌گیرد (Rosengren, 1981). تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش پژوهشی برای تفسیر ذهنی-محتوایی داده‌های متنی به کمک فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کُدگذاری، ساخت مضامین یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست (Hsieh & Shannon, 2005).

بر این اساس، به منظور جست‌وجوی منابع مرتبط در موتور کاوش «گوگل اسکالر»، سه واژه‌ی کلیدی «vitality»، «liveliness»، «vibrancy» و عبارات ترکیبی برآمده از آن‌ها مانند «urban vitality»، «lively urban space» و... مبنا قرار گرفت. پس از انتخاب 25 منبع مرتبط، مطالعات اکتشافی آغاز و با بررسی پیام‌های پنهان و آشکار هر متن، داده‌های مرتبط با سرزندگی فضاهای شهری جمع‌آوری و طی فرایندی سه مرحله‌ای

استفاده وی از کلیدواژه «نیازهای زیستی» و «عملکردهای حیاتی» در تعریف، دلالت بر «قابلیت زیست» دارد. بر این اساس می‌توان گفت منظور وی، اساساً «زیست‌پذیری» بوده است. از این رو «خوانش لینچی» در پژوهش پیش‌رو، در تبیین سرزندگی شهری، معیارها و شاخص‌های آن، مورد توجه قرار نگرفته است.

2- روش تحقیق

پژوهش پیش‌رو، یک مطالعه نظری-بنیادی است که با هدف مفهوم‌سازی سرزندگی شهری در مقیاس فضای شهری صورت پذیرفته و در این مسیر از روش‌های کیفی استفاده کرده است. بر این اساس، با استفاده از روش تحلیل محتوای متون، به واکاوی ادبیات نظری موجود در قلمروی پژوهش‌های معتبر خارجی پرداخته است. تحلیل محتوا مجموعه‌ای از رویکردهای تحلیلی اعم از

نهایتاً هریک از معیارهای مذکور با ابعاد سه‌گانه، مرتبط گردیده که نتایج در جدول 4 به تفکیک معیارها و فراوانی آنها، بازنمایی شده است. بر مبنای طبقه‌بندی پیشنهادی پژوهش پیش رو؛

الف) ابعاد به کلان‌ترین طبقه‌ی مفهومی، برآمده از کدگذاری گزینشی دلالت دارد. بر این اساس 3 بُعد «کالبدی-محیطی»، «عملکردی-مدیریتی» و «ادراکی-معنایی» را می‌توان برای سرزندگی در مقیاس فضای شهری متصور شد. این ابعاد به ترتیب بر مبنای مؤلفه‌های تشکیل دهنده‌ی هر پدیده [فضای شهری]، یعنی «فرم»، «محتوا» و «معنا» انتخاب شده‌اند.²⁹

ب) معیارها بیانگر شروطی هستند که به منظور تحقق سرزندگی نیاز به احراز آنها وجود دارد. بُعد «کالبدی-محیطی»، دربردارنده 4 معیار «تنوع کالبدی»، «دسترسی‌پذیری»، «آسایش محیطی» و «امکانات و تجهیزات»، بُعد «عملکردی-مدیریتی»، دربردارنده 7 معیار «تنوع عملکردی»، «تنوع فعالیتی»، «زندگی فعال خیابانی»، «مدیریت فضای شهری»، «تنوع اجتماعی-فرهنگی»، «جامعه‌پذیری»³⁰، «انتخاب‌پذیری» و نهایتاً بُعد «ادراکی-معنایی»، دربردارنده 4 معیار «تنوع معنایی»، «خوانایی»، «خودمانی بودن» و «زمان» است. پرتکرارترین معیارها، «تنوع عملکردی» و «تنوع فعالیتی» است که در مجموع توسط 19 پژوهش (76 درصد پژوهش‌ها) و کمترین تکرارپذیری مربوط به دو معیار «زمان» و «خودمانی بودن» است که هریک تنها توسط 2 منبع مورد اشاره قرار گرفته است. ج) شاخص‌ها بیانگر حالت‌های قابل اندازه‌گیری به منظور سنجش تحقق معیارهای مرتبط است.

3-2- تبیین سرزندگی در مقیاس فضای شهری به مثابه «یک کل» و تفسیر مدل مفهومی آن

پیش از معرفی مدل مفهومی پیشنهادی، ضرورت دارد مشخصات و ویژگی‌های یک «فضای شهری سرزنده» تبیین شود. بر اساس مطالعات انجام‌شده، 15 معیار در خلق و شکل‌دهی به چنین فضایی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد (جدول 4) که در ادامه با استفاده از معیارهای پانزده‌گانه، فضای شهری سرزنده تبیین می‌شود:

طبقه‌بندی شد. در گام اول، عبارات و واژه‌های بازتاب دهنده شاخص‌های سرزندگی شهری، انتخاب و با یک مضمون برچسب‌گذاری شدند (کدگذاری باز). به‌عنوان مثال عبارت «کاهش فعالیت‌های مبتنی بر پیاده‌روی، سرزندگی شهری را می‌کشد» با «پیاده‌مداری» برچسب‌گذاری شد. این روند ادامه یافت تا 101 مضمون از طریق کدگذاری باز، شکل گرفت. در گام دوم، از طریق مقایسه مداوم، مضامین هم‌سنخ و مرتبط در یک طبقه‌ی مفهومی قرار گرفتند و 15 مقوله را تشکیل دادند (کدگذاری محوری). در گام سوم، مضامین و مقوله‌ها در قالب ابعاد سه‌گانه طبقه‌بندی و به هم مرتبط شدند (کدگذاری گزینشی). در نهایت مدل مفهومی پویای سرزندگی در مقیاس فضای شهری در قالب یک دیگرام شماتیک تدوین شد. به منظور احراز اعتبار مدل، نمونه‌گیری نظری و گردآوری داده‌ها تا زمانی ادامه پیدا کرد که دیگر هیچ داده جدیدی که نشان‌دهنده‌ی ویژگی‌های جدید و مرتبط با یک طبقه‌ی مفهومی باشد، یافت نشد (اشباع نظری).

3- نتایج و بحث

3-1- تبیین ابعاد²⁶، معیارها²⁷ و شاخص‌های²⁸ سرزندگی در مقیاس فضای شهری

بررسی‌های صورت‌گرفته نشان می‌دهد مجموعه‌ای گسترده از عوامل گوناگون را در تبیین معیارها و شاخص‌های سرزندگی شهری می‌توان بازشناخت و آنها را در طبقه‌های مفهومی خاصی دسته‌بندی کرد. پس از انجام فرایند سه‌مرحله‌ای کدگذاری داده‌ها، نتایج در جدول‌های 3 و 4 منعکس شده است. بر این اساس ستون اول جدول 3 نمایانگر شاخص‌های متعدد سرزندگی در مقیاس فضاهای شهری است. در مدل مفهومی پیشنهادی، شاخص‌های هم‌سنخ با توجه به میزان هم‌پوشانی و ماهیت، تا حد امکان با یکدیگر ترکیب شده و مورد پایش قرار گرفته‌اند. ستون دوم به نگره‌پردازانی اشاره دارد که در پژوهش‌های خود به مضامین برچسب‌گذاری شده تأکید داشته‌اند. در ستون سوم، مقوله‌های برآمده از کدگذاری محوری، بیانگر معیارهای پانزده‌گانه‌ی سرزندگی در مقیاس فضای شهری است.

جدول 3- تبیین شاخص‌ها و معیارهای سرزندگی شهری در مقیاس فضاهای شهری

Tab. 3- Explaining the indicators and criteria of urban vitality in the scale of urban spaces

مفوله‌ها (معیارها)	منبع	مضامین مرتبط با سرزندگی شهری (شاخص‌ها)
زندگی فعال خیابانی	جیکوبز (1961)، ماس (1984)، مونت‌گمری (1995)، دپارتمان محیط زیست بریتانیا (1996)، مونت‌گمری (1998)، ریونسکرافت (2000)، بردشاو (2005)، یان گل (2010)، آی‌تی‌اف (2012)، شی و دیگران (2021)، پن و دیگران (2021)	پیاده‌مداری، جریان‌های عابرپیاده، حضور مداوم مردم در فضاهای شهری، وجود خرده‌فروشی‌ها ³¹ ، مسافت‌های قابل قبول برای پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری
تنوع کالبدی	جیکوبز (1961)، بردشاو (2005)، چی‌ین (2009)، کاراس (2015)، اندرسن و دیگران (2017)، یو و دیگران (2019)، لی و دیگران (2021)	تنوع گونه‌های ساختمانی، کیفیت‌های کالبدی منحصر به‌فرد، نمای خیابان، بهبود کیفیت‌های کالبدی فضای بیرونی، ساختمان‌های قدیمی و جدید
خوانایی	وایت (1980)، مونت‌گمری (1998)، دولت استرالیا جنوبی (2013)	رویت‌پذیری فضای شهری، نشانه‌ها، انگیزش بصری، توجه به جزئیات، سنگفرش خیابان‌ها، نورپردازی خلاقانه
تنوع مخاطبین فضا (تنوع اجتماعی - فرهنگی)	جیکوبز (1961)، وایت (1980)، مونت‌گمری (1998)، هالند و دیگران (2007)، لندری (2008)، چی‌ین (2009)، یان گل (2010)، دولت استرالیا جنوبی (2013)، کاراس (2015)، سانگ و لی (2015)، یو و دیگران (2019)، د سیلو مالوفه اسپیناردی (2020)، شی و دیگران (2021)، لی و دیگران (2021)، پن و دیگران (2021)	تراکم جمعیتی نسبتا بالا، تراکم حیاتی، تنوع گروه‌های استفاده‌کننده، حضور سالمندان و کودکان، تنوع کاربران فضا، پیشنهاد هرج‌ومرج و برخوردهای تصادفی
تنوع عملکردی	جیکوبز (1961)، دپارتمان محیط زیست بریتانیا (1996)، مونت‌گمری (1998)، ریونسکرافت (2000)، چی‌ین (2009)، یان گل (2010)، کاراس (2015)، سانگ و لی (2015)، لیو و دیگران (2020)، شی و دیگران (2021)، کنگ و دیگران (2021)، لی و دیگران (2021)، پن و دیگران (2021)	کاربری‌های آمیخته، تنوع کاربری‌های اولیه، کاربری‌های جاذب جمعیت، لبه‌های نرم و فعال شهری ³² ، مکان‌های فرهنگی و اوقات فراغت
تنوع فعالیتی	جیکوبز (1961)، ماس (1984)، مونت‌گمری (1995)، ریونسکرافت (2000)، بردشاو (2005)، متا (2007)، لندری (2008)، چی‌ین (2009)، یان گل (2010)، اندرسن و دیگران (2017)، شی و دیگران (2021)	فعالیت‌های مبتنی بر پیاده‌روی، فرصت‌های ارائه‌شده به مردم توسط فضا، جشنواره‌ها و مسابقات خیابانی، هنرهای عامه‌پسند، رویدادها، هنرهای نمایشی، فعالیت‌های تفریحی و سرگرمی‌های خیابانی، برگزاری کنسرت
تنوع معنایی	مونت‌گمری (1998)، بردشاو (2005)، هالند و دیگران (2007)، چی‌ین (2009)، د سیلو مالوفه اسپیناردی (2020)	سبک معماری، تصویر ذهنی، شخصیت فرهنگی و جنبه‌های هویتی شهر، حس جمعی، حس تعلق به مکان، درجانی از غیرقابل پیش‌بینی بودن فضای شهری
دسترسی‌پذیری	جیکوبز (1961)، وایت (1980)، مونت‌گمری (1995)، دپارتمان محیط زیست بریتانیا (1996)، مونت‌گمری (1998)، بردشاو (2005)، لندری (2008)، دولت استرالیا جنوبی (2013)، کاراس (2015)، سانگ و لی (2015)، یو و دیگران (2019)، د سیلو مالوفه اسپیناردی (2020)، لیو و دیگران (2020)، لی و دیگران (2021)، پن و دیگران (2021)	بلوک‌های شهری کوچک، تعداد خیابان‌های منتهی به میدان، قابلیت دسترسی، حمل‌ونقل عمومی، کیفیت شبکه‌های معابر، تراکم نقطه‌ای ایستگاه‌های اتوبوس و مترو، سیستم حمل‌ونقل شبانه، دسترسی راحت پیاده و سواره به امکانات، پیوستگی کالبدی با اطراف، پارکینگ
آسایش محیطی	وایت (1980)، مونت‌گمری (1998)، یان گل (2010)، شی و دیگران (2021)، لی و دیگران (2021)	بهره‌مندی از نور و گرمای خورشید، ترکیبی از نور و سایه، محافظت در برابر باد، سبزی‌نگی فضا، توجه به نقش عنصر آب در طراحی، فضای سبز و فضای آبی ³³ ، توجه به تغییر فصول در طراحی، شاخص آلودگی هوا
امکانات و تجهیزات	وایت (1980)، ماس (1984)، ریونسکرافت (2000)، اندرسن و دیگران (2017)	وسعت فضا ³⁴ ، فضاهایی برای نشستن، مبلمان شهری، وجود کیوسک‌های غذا و نوشیدنی
مدیریت	جیکوبز (1961)، وایت (1980)، مونت‌گمری (1995)، ریونسکرافت (2000)، بردشاو (2005)، لندری (2008)، دولت استرالیا جنوبی (2013)، د سیلو مالوفه اسپیناردی (2020)، شی و دیگران (2021)، پن و دیگران (2021)	نظارت طبیعی، امنیت، آسایش فیزیکی (ایمنی)، خودنظارتی، ظرفیت قابل تحمل فضای شهری، میزان وقوع جرم، زیرساخت نرم ³⁵ ، نگهداری مناسب فضای شهری، سیستم روشنایی ³⁶ ، نور در شب، دوربین‌های مداربسته در فضاهای عمومی، حضور منظم پلیس، گسترش شبکه وای-فای
خودمانی بودن و دلپذیری	وایت (1980)، مونت‌گمری (1998)	محسوسیت فضا ³⁷ ، احساس خوشایند استفاده‌کنندگان از فضای شهری (شاخص لبخند)، مقیاس انسانی

مقاله‌ها (معیارها)	منبع	مضامین مرتبط با سرزندگی شهری (شاخص‌ها)
جامعه‌پذیری	جیکوبز (1961)، مونت‌گمری (1998)، لندری (2008)، چی‌بن (2009)، یان گل (2010)، دولت استرالیای جنوبی (2013)، کاراس (2015)، اندرسن و دیگران (2017)، د سیلو مالوفه اسپینیاردی (2020).	تعاملات اجتماعی، رشد فردی، یادگیری اجتماعی، مشارکت فعال، شبکه‌های اجتماعی گسترده، روحیه اجتماعی، غرور مدنی، استفاده از رسانه‌های اجتماعی، برقراری ارتباط با سایر افراد (چه غریبه چه آشنا)، فعالیت‌های داوطلبانه، مردم بلندپرواز و بانگیزه
انتخاب‌پذیری فضا	وایت (1980)، ماس (1984)، مونت‌گمری (1995)، متا (2007)، یان گل (2010)، آی‌تی‌اف (2012)، د سیلو مالوفه اسپینیاردی (2020).	اقامت موقت، حضور گروه‌های دو یا چند نفره، قرارهای ملاقات با تصمیم قبلی، قابلیت تبدیل شدن فضای شهری به پاتوق، ماندن طولانی‌مدت در فضای شهری، درنگ و وقت‌گذرانی (پرسه‌زنی)، ماندن‌های خودانگیزه در فضای شهری، حضور خانواده‌ها، میزان حضور زنان
زمان	یان گل (2010)، کنگ و دیگران (2021)	مدت زمان حضور، جذب افراد در ساعات مختلف روز

جدول 4- تطبیق معیارهای سرزندگی شهری در مقیاس فضاهای شهری با ابعاد سه‌گانه

Tab. 4- Adapting the vitality criteria in the urban space with triple criteria

معیارها	منبع	دیرنجان محیط زیست بریتانیا (1996)	مونت‌گمری (1995)	ماس (1984)	وایت (1980)	جیکوبز (1961)	مونت‌گمری (1998)	ریونسوگرافس (2000)	بردشا (2005)	ویگلس متا (2007)	هاند و دیگران (2007)	لندری (2008)	چی‌بن (2009)	یان گل (2010)	آی تی اف (2012)	دولت استرالیای جنوبی (2013)	کارلس (2015)	سانگ و لی (2015)	اندرسن و دیگران (2017)	یو و دیگران (2019)	د سیلو مالوفه اسپینیاردی (2020)	لیو و دیگران (2020)	شی و دیگران (2021)	کنگ و دیگران (2021)	لی و دیگران (2021)	بن و دیگران (2021)	قرائتی (درصد قرائتی)
دسترسی‌پذیری		●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	15 (60%)
امکانات و تجهیزات		●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	4 (16%)
تنوع کالبدی		●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	7 (28%)	
زندگی فعال خیابانی		○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	11 (44%)
تنوع عملکردی		○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	14 (56%)
تنوع فعالیتی		○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	11 (44%)
تنوع معنایی		▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	5 (20%)
خوانایی		▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	3 (12%)
تنوع اجتماعی-فرهنگی		○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	15 (60%)
جامعه‌پذیری		○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	9 (36%)
مدیریت		○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	10 (40%)
انتخاب‌پذیری		○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	7 (28%)
خودمأمی بودن و دلپذیری		▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	2 (8%)
آسایش محیطی		●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	5 (20%)
زمان		▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	▲	2 (8%)

● یعد کالبدی محیطی ○ یعد عملکردی مدیریتی ▲ یعد ادراکی معنایی

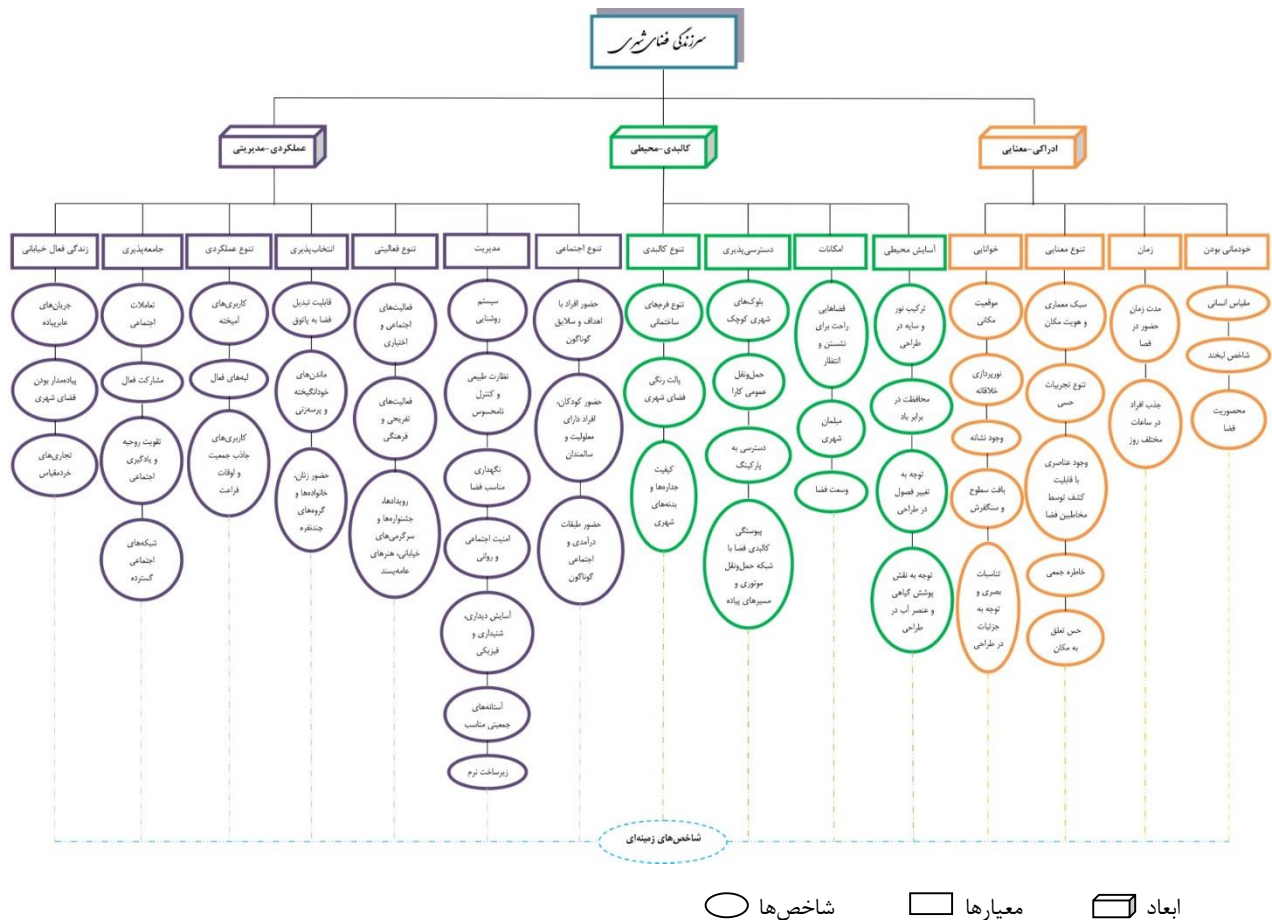
خوانا است و از طریق جذابیت‌های بصری خود، به سهولت قابل بازشناسی و ادراک است. از تنوع اجتماعی-فرهنگی پشتیبانی می‌کند. به این معنا که ترکیبی هیجان‌انگیز و متنوع از افراد از نظر سن،

زمانی که از سرزندگی در مقیاس فضای شهری صحبت می‌کنیم، منظور یک فضای شهری خودمأمی و دلپذیر است به گونه‌ای که افراد از حضور در چنین فضایی، احساسی مطبوع و خوشایند را تجربه می‌کنند. این فضا

جنسیت، سطح توانمندی جسمی، طبقه‌ی درآمدی، میزان تحصیلات، علایق و اهداف و... است. با مجهز بودن به امکانات گوناگون، به فضای انتخاب‌پذیر برای ماندن، پرسه‌زنی، قرارهای ملاقات از پیش تعیین‌شده بدل می‌شود. با ترکیبی از نور و سایه، فضاهای سبز و آبناها در فصول مختلف سال همواره مخاطبین خود را دارا است (آسایش محیطی). از طریق یک سیستم حمل‌ونقل عمومی کارا و پیوستگی با بافت پیرامونی، به راحتی دسترسی‌پذیر است. به‌مثابه میزبانی میهمان نواز، گزینه‌ها و فرصت‌هایی خاص و ویژه را به‌منظور غافلگیری در قالب رویدادها، فعالیت‌های متنوع اجتماعی، فرهنگی، تفریحی و... در مقاطع زمانی متفاوت به مخاطبین خود ارائه می‌کند. دارای برنامه‌های فرهنگی مدون، آستانه‌های جمعیتی مناسب با توجه به ظرفیت‌های قابل تحمل محیط بوده و به‌کمک نظارت طبیعی مخاطبینش، فضایی امن و ایمن برای همهی گروه‌های استفاده‌کننده است (مدیریت). زمینه‌ای را برای مراودات اجتماعی، معاملات تجاری، مناسبات سرگرمی، تفکر، تبادل نظر، اعتراض، گفتمان و یادگیری نحوه‌ی زندگی در جامعه فراهم می‌کند (جامعه‌پذیری). در گذر زمان، خاطرات جمعی در آن شکل گرفته و هویت می‌یابد، پس از کشف و تجربه توسط مخاطبینش به رشد خود در آن‌ها ادامه داده و باعث شکل‌گیری حس تعلق در افراد می‌شود (تنوع معنایی). دارای بدنه‌های فعال با عملکردهای گوناگون و کیفیت‌های کالبدی متنوع و چشم‌نواز است. این فضای شهری، تجربه‌ای به‌یادماندنی، منحصربه‌فرد و سرشار از یک زندگی غنی و فعال خیابانی را به مخاطبین خود هدیه می‌دهد³⁸.

با توجه به تعریف ارائه‌شده، مجموعه‌ای از عوامل متعدد و به‌هم‌مرتبط در مفهوم‌سازی سرزندگی در مقیاس فضای شهری نقش دارند بر این اساس، ضرورت دارد سرزندگی شهری به مثابه «یک کل» درک شده و مورد مطالعه قرار گیرد. این عوامل در قالب یک مدل

مفهومی پویا به‌صورت دیداری بازنمایی شده است (شکل 2). مدل پیشنهادی، طی رویکردی نو، سرزندگی را در مقیاس فضاهای شهری در 3 سطح مفهوم‌سازی می‌کند. سطح اول از 3 بُعد، سطح دوم از 15 معیار و سطح سوم از 55 شاخص (با قابلیت کمی‌سازی به‌منظور سنجش سرزندگی)، به‌همراه «شاخص‌های زمینه‌ای» تشکیل شده است. از این تعداد 14 شاخص در رابطه با بُعد «کالبدی-محیطی»، 26 شاخص زیرمجموعه‌ی بُعد «عملکردی-مدیریتی» و 15 شاخص مرتبط با بُعد «ادراکی-معنایی» است. در رابطه با تفکیک معیارهای «تنوع عملکردی» و «تنوع فعالیتی» از یکدیگر در مدل پیشنهادی، این توضیح ضروری است که «تنوع عملکردی» به کاربری‌های تشکیل‌دهنده‌ی جداره و بدنه‌ی فضای شهری اشاره دارد که عموماً دربردارنده‌ی کاربری‌های جاذب جمعیت یعنی کاربری‌های اوقات فراغت (کافه‌های روباز خیابانی، گالری‌ها، رستوران‌ها و...) و کاربری‌های تجاری خردمقیاس است. درحالی‌که «تنوع فعالیتی» به فعالیت‌های اجتماعی و اختیاری (مانند ایستادن، نشستن، نگاه کردن، ایستادن، صحبت کردن، خوردن و آشامیدن، بازی کودکان، خواندن، استفاده از لپ‌تاپ، تماشای ویتترین مغازه‌ها، دستفروشی، نواختن موسیقی، گوش دادن به نوازندگان و...) و مجموعه رویدادهای در حال وقوع درون فضا اشاره دارد. علاوه بر شاخص‌های پیشنهادی، در رابطه با هر معیار، شاخصی تحت‌عنوان «شاخص زمینه‌ای» پیش‌بینی شده است که با توجه به شرایط خاص (اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، جغرافیایی و...) هر فضای شهری می‌تواند موضوعیت یابد. این مدل، با در نظر گرفتن دو فاکتور «زمان» و «شاخص‌های زمینه‌ای»، یک مدل پویا و انعطاف‌پذیر تلقی می‌شود که در زمینه‌ها و فرهنگ‌های گوناگون می‌تواند کاربرد داشته باشد. مدل پیشنهادی، قابلیت توسعه (به‌ویژه در سطح شاخص‌ها از طریق پیش‌بینی شاخص‌های زمینه‌ای) را دارا است. در تبیین معیارها و شاخص‌ها، زمینه‌ی ایرانی مورد توجه بوده است.



شکل 2- مدل مفهومی سرزندگی در مقیاس فضای شهری
Fig. 2- Vitality Conceptual model in urban space scale

ساختارمند در ارتباط با یکدیگر مطالعه کرد. به بیان دیگر، ادبیات نظری موجود، به‌مثابه گروهی از افراد می‌ماند که دور هم گرد آمده‌اند و تلاش دارند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، درحالی‌که هر یک تنها بخشی از یک زبان را می‌دانند و زبان‌ها نیز با هم متفاوت هستند.

شالوده‌ی ادبیات موجود سرزندگی شهری، عموماً تحت تأثیر «خوانش جیکوبزی» بر مبنای «تنوع عملکردی و فعالیتی» و پس از آن «تنوع اجتماعی» شکل گرفته است. در مقابل، به چگونگی تغییرات سرزندگی در گذر «زمان»، در کمتر پژوهشی توجه شده و بیشتر مطالعات بر یک مقطع زمانی مشخص (بازه‌ی زمانی جمع‌آوری داده‌ها) تمرکز داشته‌اند. بر این اساس ضرورت دارد عنصر «زمان»، به‌ویژه در مطالعاتی که به سنجش سرزندگی شهری می‌پردازد بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. چرا که اساساً میزان (درجه) سرزندگی یک فضای شهری در

4- نتیجه‌گیری

پژوهش پیش‌رو در قالب مطالعه‌ی نظری-بنیادی و با ماهیتی کیفی، تلاش داشته است به‌منظور گسترش حوزه‌ی دانشی سرزندگی شهری و انسجام‌بخشی به ادبیات نظری موجود، در سطح اول به مفهوم‌سازی و در سطح دوم به تدوین یک مدل مفهومی پویا، انعطاف‌پذیر و کل‌نگر بپردازد که ضمن پشتیبانی از مجموعه‌ای از معیارها و شاخص‌ها بتواند در صورت نیاز (از طریق پیش-بینی خوشه‌ی شاخص‌های زمینه‌ای) با زمینه‌ای مشخص سازگار شود. بر اساس مطالعات صورت‌گرفته می‌توان گفت مفهوم سرزندگی [شهری] همچون معنای واژگانی آن، سرشت و ماهیتی پویا دارد که در گذر زمان، زمینه‌ها و فرهنگ‌های گوناگون می‌تواند دستخوش تغییر می‌شود؛ حتی شکل ظهور و بروز آن نیز تفاوت یابد. بر این اساس دشوار می‌توان ادبیات نظری موجود را به شیوه‌ای

ساعات مختلف روز، روزهای کاری با روزهای تعطیل و آخر هفته و حتی فصول مختلف می‌تواند متفاوت باشد. بر اساس نتایج پژوهش، فرایند آفرینش سرزندگی شهری را با استفاده از **هفت عامل کلیدی به هم مرتبط**، می‌توان تبیین نمود:

«تجربه‌ی سرزندگی شهری، از طریق حرکت افراد آغاز می‌شود؛ این حرکت به تنهایی رخ نمی‌دهد و به انگیزش‌های درونی و رویدادهای بیرونی به‌عنوان نیروی محرکه نیاز دارد؛ از دیگر سو این حرکت به **زمینه‌ای برای بروز** وابسته است؛ این زمینه، بهانه‌هایی را برای ماندن افراد ایجاد و فضا را به فضایی **حضورپذیر** تبدیل می‌کند؛ این بهانه‌ها همان **فعالیت‌های گوناگون** و پویایی ناشی از آن‌ها است که طی مکانیسمی خودبه‌خودی و خودتقویت‌کننده می‌تواند از فردی به فرد دیگر تسری یابد و امکان تعامل معنادار با جامعه را تحقق بخشد؛ این حرکت دارای هدفی است که همانا **ایجاد انرژی در شهر** و **تبلور زندگی فعال خیابانی** است». بر مبنای این تعریف، آفرینش سرزندگی شهری در گرو توجه به دیالکتیک و رابطه میان سه عنصر «انسان»، «فضا» و «فعالیت» است که به ترتیب با 3 بُعد «ادراکی-معنایی»، «کالبدی-محیطی» و «عملکردی-مدیریتی» مرتبط است (شکل 3).

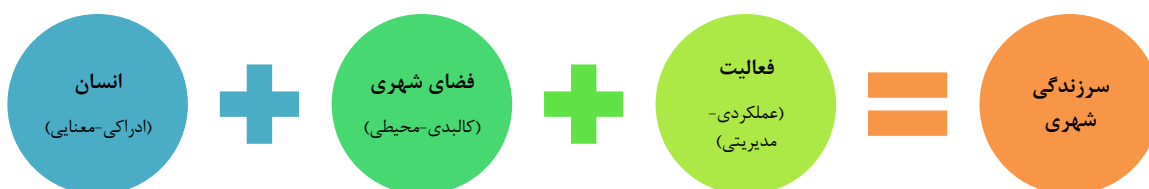
این فرایند نیازمند هدایت توسط ابزارهای طراحی، برنامه‌ریزی و مدیریت شهری است. از میان عناصر سه‌گانه، «فضا» و بُعد «کالبدی-محیطی» متناظر با آن و «فعالیت» و بُعد «عملکردی-مدیریتی»، به‌علت مرئی بودن، بیشتر مورد توجه عرصه‌های نظری و عملی شهرسازی بوده‌اند. بر این اساس ضروری است بُعد

سوم (ادراکی-معنایی) نیز در فرایند طراحی، برنامه‌ریزی و مدیریت فضاهای شهری سرزنده بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

پژوهش پیش‌رو، سرزندگی در مقیاس فضای شهری را در قالب یک «مدل پویای سه‌سطحی» مفهوم‌سازی کرده است. سطح اول دربردارنده 3 بُعد «کالبدی-محیطی»، «عملکردی-مدیریتی» و «ادراکی-معنایی»، سطح دوم شامل 15 معیار (آسایش محیطی، امکانات و تجهیزات، دسترسی‌پذیری، تنوع کالبدی، تنوع اجتماعی-فرهنگی، مدیریت فضای شهری، تنوع فعالیتی، انتخاب‌پذیری، تنوع عملکردی، جامعه‌پذیری، زندگی فعال خیابانی، خودمانی‌بودن و دلپذیری، زمان، تنوع معنایی، خوانایی) و سطح سوم مشتمل بر 55 شاخص (با قابلیت کمی‌سازی به‌منظور سنجش سرزندگی) به‌همراه پیش‌بینی «شاخص‌های زمینه‌ای» در ارتباط با هر معیار است. از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش پیش‌رو به موارد ذیل می‌توان اشاره نمود:

- برخلاف بیشتر پژوهش‌های پیشین (اعم از داخلی و خارجی) که سرزندگی شهری را به‌صورت تک‌بُعدی و عموماً برآمده از تنوع (فعالیتی و اجتماعی) معرفی نموده‌اند، پژوهش پیش‌رو سرزندگی شهری را به‌مثابه «یک کل»، دربردارنده **مجموعه‌ای از عوامل متعدد و به هم مرتبط** برای ارتقای کیفیت محیطی و کیفیت زندگی، تبیین می‌نماید.

- هفت عامل کلیدی به هم مرتبط در تبیین سرزندگی شهری نقش دارند: (1 حرکت و پویایی، (2 رویدادها، (3 زمینه‌ای برای بروز، (4 حضورپذیری، (5 تنوع شهری³⁹، (6 انرژی شهر، (7 زندگی فعال خیابانی.



شکل 3- مدل مفهومی فرایند آفرینش سرزندگی شهری

Fig. 3- Conceptual model of the creation process of urban vitality

داده‌ها، در این پژوهش‌ها، سیگنال‌های تلفن‌های همراه است. با این پیش‌فرض که میان تراکم و تعداد تماس‌های ثبت‌شده از تلفن‌های همراه با سرزندگی یک منطقه، همبستگی مثبت وجود دارد (ر.ک. Yue et al, 2019). حال آنکه این داده‌ها، تشخیص نمی‌دهند که افراد در فضاهای شهری حضور دارند یا درون ساختمان‌ها! در حالت کلی، آزمایش تجربی سرزندگی شهری، به‌واسطه‌ی گستردگی متغیرهای آن و عدم تسلط همه‌جانبه‌ی پژوهشگر به این متغیرها، با محدودیت‌های جدی روبرو است.

⁵ Google Scholar

⁶ vitality of educational

⁷ subjective vitality

⁸ mental vitality

⁹ urban vitality

¹⁰ rural vitality

¹¹ social vitality

¹² community vitality

¹³ interdisciplinary

¹⁴ dynamic model

¹⁵ measurement

¹⁶ انگاره را می‌توان معادل واژه‌های متعددی در انگلیسی از جمله «idea»، «patern» و «tenet» در نظر گرفت. بر اساس فرهنگ‌نامه‌های فارسی به معنای «پندار»، «تصور»، «فکر» می‌باشد و در ادبیات تخصصی علوم به «فرضیه»، «ایده»، «الگو» یا حتی «مفهوم» می‌تواند دلالت داشته باشد.

¹⁷ سرزندگی یک شهر منوط به سرزندگی فضاهای شهری آن است. این فضاها در صورت سرزنده‌سازی، به‌صورت شبکه‌ای به‌هم‌پیوسته می‌توانند یک شهر سرزنده را شکل دهند. بر این اساس، تأکید پژوهش حاضر، تدوین مدل مفهومی سرزندگی در مقیاس «فضای شهری» است.

¹⁸ concrete noun

¹⁹ abstract noun

²⁰ از جمله: «vigorousness»، «sprightliness»، «lustiness»، «animation»، «vivacity»، «dynamism»، «life force»، «sensation»

²¹ positive psychology

²² eudaimonia: واژه‌ای یونانی است که عیناً برای توصیف حالت یا وضعیت «روحیه خوب» به کار می‌رفته و معمولاً به «خوشبختی» یا «رفاه» ترجمه می‌شود.

²³ شادمانی/شادی (happiness) و سرزندگی (vitality) در ادبیات روان‌شناسی هر دو جزو هیجان‌های مثبت به شمار می‌روند. با این تفاوت جزئی که سرزندگی، از منابع و انگیزش‌های درونی سرچشمه می‌گیرد اما شادمانی، عمدتاً به برون‌گرایی مربوط است.

²⁴ در بخش نتیجه‌گیری، این 7 مفهوم کلیدی، در تبیین «فرایند شکل‌گیری سرزندگی شهری» مورد استفاده قرار گرفته است.

²⁵ International Transport Forum

²⁶ dimensions

²⁷ criteria

²⁸ indicators

- فرایند آفرینش سرزندگی شهری در قالب یک مدل سه مؤلفه‌ای قابل مفهوم‌سازی است که بر مبنای توجه به دیالکتیک و رابطه میان سه عنصر «انسان»، «فضا» و «فعالیت» شکل گرفته است. این عناصر به‌ترتیب با 3 بُعد «ادراکی-معنایی»، «کالبدی-محیطی» و «عملکردی-مدیریتی» مرتبط است (شکل 3).

- سرزندگی، چتر جامعیت خویش را بر تمامی کیفیت‌های مرتبط با یک فضای شهری اعم از «کالبدی»، «عملکردی» و «معنایی» می‌گستراند. بر این اساس می‌توان آن را یک «کیفیت جامع» دانست.

- ضرورت دارد از سرزندگی با عنوان «فرامفهوم»⁴⁰ یا «مفهوم فراگیر»⁴¹ یاد شود. این «دیدگاه کل‌نگر» نسبت به سرزندگی شهری می‌تواند ابهامات و آشفتگی‌های نظری پیرامون آن را تحدید کرده و به انسجام‌بخشی مبانی نظری آن کمک نماید.

- توجه به پارادایم‌های پژوهش کیفی، در گسترش افق‌های نو و ارتقای محتوای پژوهش‌های ایرانی عرصه سرزندگی شهری که به‌صورت سنتی با کمی‌نگری عجین شده‌اند می‌تواند مؤثر باشد.

- در مدل پویای سه‌سطحی سرزندگی شهری، برای اولین بار به «شاخص‌های زمینه‌ای» و عنصر «زمان» توجه و تأکید شده است. در واقع پویایی مدل در رابطه با توجه به این دو فاکتور تعریف می‌شود. به این معنا که شاخص‌های زمینه‌ای بر مبنای ویژگی‌های محلی، فرهنگی، اجتماعی و... یک زمینه (فضای شهری) خاص، در صورت لزوم می‌تواند در ارتباط با هریک از معیارهای پانزده‌گانه تعریف شود. همچنین سنجش سرزندگی هر نمونه‌ی موردی، بر مبنای مدل پیشنهادی (شکل 2) می‌تواند در بازه‌های زمانی گوناگون (فصول مختلف یا ساعات مختلف روز) صورت پذیرد و نتایج این سنجش‌ها مورد مقایسه قرار گیرد.

پی‌نوشت

¹ conceptualization

² جهان‌شاه پاکزاد در مقاله خود با عنوان «جستاری پیرامون مفهوم و جایگاه سرزندگی» به این مورد پرداخته است.

³ multisource urban data

⁴ اگرچه این مطالعات نیز با کمبودهایی در چارچوب‌های سنجش پیشنهادی خود روبرو هستند. به‌عنوان مثال، یک منبع جمع‌آوری

⁴⁰ meta concept
⁴¹ umbrella term

مراجع

Anderson, J., Ruggeri, K., Steemers, K., & Huppert, F. (2017). Lively social space, well-being activity, and urban design: findings from a low-cost community-led public space intervention. *Environment and behavior*, 49(6), 685-716. <https://doi.org/10.1177/0013916516659108>

Batty M (2013). *The New Science of Cities*. Cambridge, MA: MIT Press. DOI:10.1080/13658816.2014.937717

Biswas-Diener, R., & Dean, B. (2007). *Positive psychology coaching: Putting the science of happiness to work for your clients*. John Wiley & Sons. DOI:10.1080/17439760902992498

Blessing, R. (2017). Jane eternal: The lasting influence of Jane Jacobs's death and life of great American cities on urban planning. *Journal of Planning History*, 16(1), 85-90. <https://doi.org/10.1177/1538513216680464>

Bostic, T. J. (2002). *Constructive thinking, mental health, and physical health: An explanatory model of correlated constructs in health psychology*. Saint Louis University. <https://www.proquest.com/openview/c47ca0f92022e93dc74f313ed2288122/1?pqorigsite=gscholar&cbl=18750&diss=y>

Bradshaw, M. (2005). Variety and vitality. In D. Chapman(Ed.), *Creating neighbourhoods and places in the built environment*, (113-134), Taylor & Francis e-Library. <https://doi.org/10.4324/9780203362341>

Chion, M. (2009). Producing urban vitality: The case of dance in San Francisco. *Urban Geography*, 30(4), 416-439. <https://doi.org/10.2747/0272-3638.30.4.416>

Cowan, R. (2005). *The dictionary of urbanism illustrated by Lucinda Rogers*, streetwise Press. <https://dokumen.pub/qdownload/the-dictionary-of-urbanism-0954433009-9780954433000.html>

de Cillo Malufe Spignardi, M. (2020). Lively Urban Spaces. In: Ghosh, M. (eds) *Perception, Design and Ecology of the Built Environment*. Springer Geography. Springer, Cham. DOI:10.1007/978-3-030-25879-5_24

Department of the Environment. (1996) *Town Centres and Retail Development*. Revised Planning Policy Guidance Note 6.

²⁹ در تبیین ابعاد سرزندگی شهری، ترکیب‌های تصادفی گوناگونی را می‌توان در نظر گرفت. در پژوهش حاضر از آنجاکه موضوع سرزندگی در مقیاس «فضای شهری» مطرح است تلاش شد طی رویکردی نو، ابعاد بر اساس مبنای مشخصی انتخاب شود. از این رو، مؤلفه‌های تشکیل دهنده فضای شهری یعنی فرم، محتوا و معنا مبنا قرار گرفت.

³⁰ sociability: این اصطلاح که عموماً توسط جامعه‌شناسان و روانشناسان محیطی استفاده می‌شود به آماده شدن فرد توسط جامعه برای بر عهده گرفتن نقش‌های اجتماعی و یادگیری هنجارها و ارزش‌های جامعه دلالت دارد.

³¹ وجود خرده‌فروشی‌ها عامل اصلی در تقویت جریان‌های عابرپایه می‌باشد.

³² لبه‌ها در واقع همان جداره‌های تعریف‌کننده‌ی فضاهای شهری (خیابان و میدان) است. لبه‌های نرم اشاره به نماهای فعال شهری دارد. نماهای شفاف، بازوهای متعدد، پنجره‌های بزرگ و کالاهای در معرض نمایش که دلایل خوبی برای کاهش سرعت و توقف در فضا ارائه می‌کند.

³³ water space
³⁴ وسعت فضا، امکان بیشتری را برای حضور گسترده‌تر افراد فراهم می‌کند.

³⁵ برنامه‌ریزی رویدادها و فعالیت‌های عموماً فرهنگی در طیفی گسترده به‌منظور تشویق مردم به بازدید و استفاده از فضاهای شهری.

³⁶ پژوهش پیش‌رو، میان روشنایی و نورپردازی، تفاوت قائل شده است. تأمین روشنایی، می‌تواند در راستای ایمنی و امنیت فضای شهری باشد، حال آنکه نورپردازی با هدف خوانایی، زیباسازی، ایجاد شخصیت بصری و تزئین فضای شهری، در فرم‌های متنوع و خلاقانه می‌تواند صورت پذیرد.

³⁷ بر اساس نتایج پژوهش‌وایت (1980)، فضاهای محصور، عموماً فضاهای دلپذیرتری هستند.

³⁸ در این پاراگراف، به‌منظور مفهوم‌سازی و تبیین سرزندگی در مقیاس فضای شهری، از تمامی پانزده معیار حاصل از کدگذاری محوری در بخش قبلی، استفاده شده است. از دیگر سو هر معیار به‌کمک تعدادی از شاخص‌های مرتبط، تبیین شده است. به‌عنوان مثال، آنجا که گفته شده «از طریق یک سیستم حمل‌ونقل عمومی کارا و پیوستگی با بافت پیرامونی» به‌راحتی دسترسی‌پذیر است، می‌توان دریافت که «سیستم حمل‌ونقل کارا» و «پیوستگی بافت»، دو شاخص برای تحقق معیار «دسترسی‌پذیری» است. در واقع این رویکرد بدیع در تبیین سرزندگی، در راستای انسجام‌بخشی به چارچوب نظری‌ای است که مقاله‌ی پیش‌رو برای شکل‌گیری آن تلاش کرده است.

³⁹ تنوع شهری بر مبنای مدل مفهومی پیشنهادی (شکل 2)، دربردارنده‌ی 5 خوشه‌ی «تنوع کالبدی»، «تنوع اجتماعی- فرهنگی»، «تنوع فعالیتی»، «تنوع عملکردی» و «تنوع معنایی» است.



data. *ISPRS International Journal of Geo-Information*, 11(1), 2.
<https://doi.org/10.3390/ijgi11010002>

Liu, S., Zhang, L., & Long, Y. (2019). Urban vitality area identification and pattern analysis from the perspective of time and space fusion. *Sustainability*, 11(15), 4032.
<https://doi.org/10.3390/su11154032>

Liu, S., Zhang, L., Long, Y., Long, Y., & Xu, M. (2020). A new urban vitality analysis and evaluation framework based on human activity modeling using multi-source big data. *ISPRS International Journal of Geo-Information*, 9(11), 617. <https://doi.org/10.3390/ijgi9110617>

Lopes, M. N., & Camanho, A. S. (2013). Public green space use and consequences on urban vitality: An assessment of European cities. *Social indicators research*, 113(3), 751-767.
<https://doi.org/10.1007/s11205-012-0106-9>

Lynch, K. (1981). *Good city form*. MIT press. DOI: 10.1604/9780262120852

Maas, P. R. (1984). *Towards a theory of urban vitality* (Master of Art dissertation, University of British Columbia).
<https://open.library.ubc.ca/soa/cIRcle/collections/ubctheses/831/items/1.0096212>

Mehta, V. (2007). Lively streets: Determining environmental characteristics to support social behavior. *Journal of planning education and research*, 27(2), 165-187.
<https://doi.org/10.1177/0739456X07307947>

Montgomery, J. (1995). Editorial urban vitality and the culture of cities. *Planning Practice & Research*, 10(2), 101-110.
<https://doi.org/10.1080/02697459550036649>

Montgomery, J. (1998). Making a city: Urbanity, vitality and urban design. *Journal of urban design*, 3(1), 93-116.
<https://doi.org/10.1080/13574809808724418>

Paköz, M. Z., Yaratgan, D., & Şahin, A. (2022). Re-mapping urban vitality through Jane Jacobs' criteria: The case of Kayseri, Turkey. *Land Use Policy*, 114, 105985.
<https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2022.105985>

Pan, H., Yang, C., Quan, L., & Liao, L. (2021). A new insight into understanding urban vitality: A case study in the Chengdu-Chongqing area twin-city economic circle, China. *Sustainability*, 13(18), 10068.

London:HMSO.
<https://doi.org/10.3828/tpr.67.2.k806p7841311u740>

Diener, E., & Seligman, M. E. (2002). Very happy people. *Psychological science*, 13(1), 81-84.
<https://doi.org/10.1111/1467-9280.00415>

Gehl, J. (2010). *Cities for people*. Island press.
<https://archive.org/details/cities-for-people-jan-gehl>

Government of South Australia. (2013). *Adelaide after dark*.
https://www.reddit.com/r/Adelaide/comments/14usj3r/adelaide_after_dark/

Holland, C., Clark, A., Katz, J., & Peace, S. (2007). *Social interactions in urban public places*. Joseph Rowntree Foundation, York.
<http://www.jrf.org.uk/bookshop/eBooks/2017-interactions-public-places.pdf>

Hsieh, H. F., & Shannon, S. E. (2005). Three approaches to qualitative content analysis. *Qualitative health research*, 15(9), 1277-1288. DOI: 10.1177/1049732305276687

ITF (2012), *Pedestrian Safety, Urban Space and Health*, OECD Publishing.
https://www.oecd.org/en/publications/pedestrian-safety-urban-space-and-health_9789282103654-en.html

Jacobs, J., (1961). *The Death and Life of Great American Cities*. Vintage, New York.
https://www.academia.edu/31943664/Jane_Jacobs_The_Death_and_Life_of_Great_American_Cities

Kang, C., Fan, D., & Jiao, H. (2021). Validating activity, time, and space diversity as essential components of urban vitality. *Environment and Planning B: Urban Analytics and City Science*, 48(5), 1180-1197.
<https://doi.org/10.1177/2399808320919771>

Karras, J. (2015). The 10 Traits of VIBRANT Cities, Urban scale. <http://urbanscale.com/ebook/>

Landry, C. (2008). *The creative city: A toolkit for urban innovators*. Routledge.
<https://doi.org/10.4324/9781849772945>

Lavrusheva, O. (2020). The concept of vitality. Review of the vitality-related research domain. *New Ideas in Psychology*, 56, 100752.
<https://doi.org/10.1016/j.newideapsych.2019.100752>

Li, Q., Cui, C., Liu, F., Wu, Q., Run, Y., & Han, Z. (2021). Multidimensional urban vitality on streets: Spatial patterns and influence factor identification using multisource urban



psychotherapy, and development. Oxford University Press.

DOI:10.1080/17432979.2012.674062

Sung, H., & Lee, S. (2015). Residential built environment and walking activity: Empirical evidence of Jane Jacobs' urban vitality. *Transportation Research Part D: Transport and Environment*, 41, 318-329. <https://doi.org/10.1016/j.trd.2015.09.009>

Whyte, W. H. (1980). *The social life of small urban spaces*. Project for Public Spaces. https://streetlifestudies.wordpress.com/wp-content/uploads/2017/06/1980_whyte_small_spaces_book.pdf

Yue, W., Chen, Y., Zhang, Q., & Liu, Y. (2019). Spatial explicit assessment of urban vitality using multi-source data: A case of Shanghai, China. *Sustainability*, 11(3), 638. <https://doi.org/10.3390/su11030638>

<https://doi.org/10.3390/su131810068>

Ravenscroft, N. (2000). The vitality and viability of town centres. *Urban studies*, 37(13), 2533-2549. <https://doi.org/10.1080/00420980020080681>

Rosengren, K. E. (1981). *Advances in content analysis (Vol. 9)*. SAGE Publications. https://www.researchgate.net/publication/343262408_Advances_In_Quantitative_Content_Analysis_ed_Karl-Erik_Rosengren_-_Review_by_Evert_Vedung

Ryan, R. & Frederick, C. (1997). On energy, personality, and health: Subjective vitality as a dynamic reflection of well-being. *Journal of Personality*, 65(3), 529-565. <http://dx.doi.org/10.1111/j.1467-6494.1997.tb00326.x>

Shi, J., Miao, W., Si, H., & Liu, T. (2021). Urban Vitality Evaluation and Spatial Correlation Research: A Case Study from Shanghai, China. *Land*, 10(11), 1195. <https://doi.org/10.3390/land10111195>

Stern, D. N. (2010). *Forms of vitality: Exploring dynamic experience in psychology, the arts,*